

بررسی تحلیلی معنای زندگی در اندیشه شهید مصطفی چمران با استفاده از روش
نظریه پردازی داده بنیاد

*Survey of Shahid Mostafa Chamran's thoughts in his point of
view toward the meaning of life using grounded theory*

تاریخ پذیرش: ۹۵/۵/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۱۴

Naderpour H. PhD, Latifi M. PhD, Akbari R. PhD[✉]

هوشیار نادریپور^۱، میثم لطیفی^۲، رضا اکبری[✉]

Abstract

Introduction: One of the main challenges of the humankind which commence from birth till finishing death is to make understandable the process of meaning of life, this profound challenge has obsessed the mind of the fed-up humankind from vanity. The philosopher and scientists has searched in their probes to make meaningful the vanity by analyzing of total structure of human life, Hence, it seems, with survey in life of martyrs ones could reach to a disciplined patterns of meaningful concept of life. In this article we have surveyed the life of Chamran as one of the martyrs of imposed war.

Method: this research has used from method of grounded theory for the first time this method has used in discussion related to life meaning.

This mythology has accomplished based on experimental analysis which led to mental patterns of truth.

Results: In this essay with analysis of available resources of life of Chamran martyr, the meaning life of him has probed in philosophical patterns and distinguished which his ideology to meaning of life was based on god oriented super naturalism

Discussion: As a matter of fact the life of martyrs is deepening of the meaning and the satisfaction we can use their life as a meaningful patterns.

Keywords: Grounded theory, meaning of life, Mostafa Chamran, theories of naturalism, theories of super naturalism

چکیده

مقدمه: قابل فهم کردن فرآیندی به نام معنای زندگی که با تولد آدمی شروع می شود و با مرگ او پایان می پذیرد، یکی از مهمترین چالش های آدمی است. این چالش عمیق در دهه های اخیر بیش از هر زمان دیگری ذهن انسان بیزار از پوچی را به خود مشغول کرده است. فیلسوفان و اندیشمندان در مذاقه های خویش تلاش کرده اند تا با تحلیل ساختار کلی زندگی انسان، بتوانند پوچی را به محتوا برسانند. در این میان به نظر می رسد با بررسی زندگی شهدا بتوان به الگویی نظام مند برای معنادگی به زندگی دست یافت. در این مقاله به تحلیل معنای زندگی شهید چمران به عنوان یکی از شهدای دفاع مقدس پرداخته ایم.

روش: روش مورد استفاده در این پژوهش نظریه پردازی داده بنیاد است که برای اولین بار در بحث های مربوط به معنای زندگی از آن استفاده شده است. در این شیوه تحقیق از طریق تحلیل تجربی به کشف الگوهای ذهنی از حقیقت پرداخته می شود.

نتایج: در این مقاله با تحلیل منابع موجود از زندگی شهید چمران، معنای زندگی ایشان در یک قالب فلسفی مورد تحلیل قرار گرفت و مشخص شد که ایشان نگاهی فراطبیعت گرایانه خدا محور به معنای زندگی داشته است.

بحث: با توجه به اینکه زندگی شهدا مملو از معنا و رضایت بوده است؛ می توان شیوه زندگی آنها را به عنوان الگویی معنابخش مورد استفاده قرار داد.

کلید واژه ها: نظریه داده بنیاد، معنای زندگی، مصطفی چمران، نظریات طبیعت گرایانه، نظریات فرا طبیعت گرایانه

[✉]Corresponding Author: Department of philosophy and Islamic theology, faculty of theology, Islamic science and guidance, Imam Sadiq University
E-mail: r.akbari@isu.ac.ir

۱- گروه فلسفه تطبیقی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

[✉] گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد،

دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه

رهیافت جدیدی به خصوص در باب معنای دینی زندگی برسند.

فیلسوفان در بحث های مربوط به معنای زندگی پس از قائل شدن به اینکه زندگی برای زندگی نیست و امر دیگری وجود دارد که زندگی به خاطر آن انجام می پذیرد؛ نخستین تلاش هایشان را برای دستیابی به معنا آغاز می کنند. به صورت کلی می توان گفت نظریات معنای زندگی به دو دسته نظریات طبیعت گرایانه^۱ و فراطبیعت گرایانه^۲ تقسیم می شوند.

از دیدگاه متز، فرا طبیعت گرایی نظریه ای است که می گوید زندگی انسان به واسطه رابطه ای خاص با قلمروی فرا طبیعی (روحانی) معنادار خواهد شد. در مقابل، نظریه های طبیعت گرایانه بیان می دارند که زندگی می تواند در جهانی که صرفاً توسط علم شناخته می شود معنا دار باشد (علیزمانی، ۱۳۹۰). نظریه های طبیعت گرایانه در باب معنای زندگی در یک تقسیم بندی دقیق تر، خود نیز به نظریه های انفسی و آفاقی و یا شخص گرایی و عین گرایی تقسیم می شوند. مطابق نظریات شخص گرایانه آنچه که معنا بخش به زندگی است، وابسته به شخص است و اگر زندگی یا اجزای آن متعلق میلی باشد برای معناداری کافی است و لزومی ندارد که حتماً امری روحانی باشد. به عبارت دیگر کانون اساسی معناداری، جنبه های درونی خود شخص است.

نظریه شخص گرایی بیشتر در قرن بیستم رایج بود و عملگرایانی همچون ویلیام جیمز و نیز مکاتبی همچون پوزیتیویسم منطقی و اگزیستانسیالیسم و هیومی ها به دیدگاه شخص گرایانه تمایل داشتند. اما امروزه گرایش به شخص گرایی اندک است. (متز، ۱۳۸۲).

بر خلاف نظریات شخص گرایانه، قائلان به نظریات عین گرایی معتقدند صرفاً جنبه های ذهنی و درونی

بدون تردید یکی از دغدغه های انسان مدرن، روبرو شدن با پرسش از معنای زندگی است. چالش انسان مدرن رهایی از پوچی و بیهودگی و دستیابی به راه حلی برای مقابله با بحران معنا است. تصویری بی جان و بی هدف از هستی، دلهره انسان مدرن است. دلهره ای که با حذف موجودی روحانی و به تبع آن دین الوهی از حیات بشری، به اوج خود رسیده است. استیسی در باب بی معنایی و علت آن در جهان مدرن می گوید: «جهان یک تهی گاه عظیم روحانی است که تحت حاکمیت هیچ موجود روحانی نیست، بلکه بر عکس، تحت سلطه نیروهای کور و بی ایمان است. آشفتگی و سرگردانی انسان در جهان مدرن ناشی از فقدان ایمان او و دست برداشتن از خدا و دین است» (استیسی، ۱۳۸۲).

به اعتقاد ای.ام. آدامز نیز مهمترین مسأله فلسفی در فرهنگ غربی نوین از بین رفتن معنا و ایجاد گونه ای کلبی مشربی اخلاقی در چارچوب شک گرایی ارزشی عام است (آدامز، ۱۳۸۲).

نیچه نیز زندگی را ژرفنایی ناپیمودنی می داند و معتقد است که زندگی بی معنا است ولی باید به استقبالش رفت و به آن آری گفت و آن را تحمل کرد (نیچه، ۱۳۷۶).

این نوع نگرش به جهان و زندگی انسان که پیامد مستقیم آن حذف مؤلفه های دینی از جامعه بشری است، بیش از پیش آشفتگی و سرگردانی انسان مدرن را موجب شده است و یأس و ناامیدی حاصل از این پوچ گرایی، حیات انسانی را تحت تأثیر قرار داده است. با افزایش تهدیدات مبتنی بر نظریات پوچ گرایانه، اندیشمندان مختلف و بالاخص فیلسوفان تلاش کرده اند تا ضمن رد قرائت های پوچ گرایانه به ارائه

نمی‌توانند معنا بخش به زندگی باشند.

متفکران معاصر شرایطی برای معنامندی عین گرا بر می‌شمارند که برخی از این شرایط عبارتند از خارج کردن انسان از حد و مرزهای جسمی اش، رساندن انسان به کمال متعالی، سوق دادن بشریت به اموری غیر لذت جویانه مثل مرافقت، زیبایی و دانش، پرورش ماهیت منطقی در انسان، ارتقای کیفیت زندگی انسان‌ها و حیوانات، رفع کردن مشکلات اساسی بشر، جهت‌دهی اصیل به روح انسان و ... (زالتا، ۲۰۰۷).
براین اساس به طور خلاصه می‌توان گفت طبق نظریات عین‌گرایان، برای اینکه زندگی فرد معنادار باشد باید این فرد: ۱- به طور فعال و جدی درگیر و مشغول به امری باشد. ۲- این درگیری جدی متعلق به طرح‌های با ارزش و دارای اهمیت باشد (علیزمانی، ۱۳۸۹).

فرا طبیعت‌گرایان بر خلاف طبیعت‌گرایان، وجود یک امر روحانی و فراطبیعی را برای معناداری زندگی لازم می‌دانند. این نظریات به دو دسته نظریات اصلی خدا محور و روح محور تقسیم می‌شوند. نظریات خدامحور به برقراری نوعی رابطه خاص با خداوند قائل هستند و نظریات روح محور بر مبنای اعتقاد به جاودانگی انسان شکل گرفته‌اند. البته نظر سوم نیز وجود دارد که قائل به ترکیب نظریات روح محور و خدا محور است و بر دو محور وجود خدا و اعتقاد به بقای روح می‌چرخد. نظریات فراطبیعت‌گرایانه خدامحور قرائت‌های مختلفی مانند نظریات مبتنی بر هدف الهی، بی‌نهایت بودن خداوند، عشق خداوند به همه مخلوقات، کمال و عدالت دارد که در اینجا به توضیح رویکردهای مختلف نظریه هدف الهی خواهیم پرداخت.

گرت تامسون^۳ در کتاب «معنای زندگی» معتقد

است، نظریه خدا محور غایت‌انگارانه خود می‌تواند به سه شیوه فهمیده شود: در نوع اول بر صفت خالقیت خداوند تأکید می‌شود و گفته می‌شود که خداوند جهان، ما انسان‌ها و دیگر موجودات را برای هدفی خلق کرده است و اگرچه ما قادر نیستیم که هدف خدا را بیابیم اما می‌توانیم آن را بفهمیم و فهم ما از این هدف است که زندگی ما را بر محور خود صورت بندی می‌کند و در حقیقت با فهم این هدف، دست یافتن به آن وظیفه اساسی ما در زندگی می‌شود. در حالت دوم ما خدا را به عنوان مالک مطلق خود می‌فهمیم. در این حالت که بر وصف مالکیت خدا تأکید شده است؛ گفته می‌شود چون مصنوعات بشری برای یک هدف و غایتی ساخته شده‌اند؛ سازندگان و مالکانشان حق دارند تا اصرار ورزند که آنها مطابق با آن غایت کار کنند. در مقایسه، چون خداوند ما را برای غایتی ساخته است؛ او حقوق یک مالک را دارد برای اینکه اصرار ورزد تا ما مطابق آن غایت کار کنیم. در نتیجه ما وظیفه داریم بر طبق آن غایت مسیر زندگی خود را سامان بخشیم. در حالت سوم مسأله غایت‌مندی زندگی در گزاره مذکور این معنا را دارد که خداوند غایتی فردی - جمعی به صورت همزمان از خلقت داشته است و از آنجایی که خداوند عالم مطلق است؛ این غایات هرگز ناسازگار با وجود انسان نمی‌توانند باشند. منظور از غایات فردی و جمعی به طور همزمان این است که آن غایات در عین حال هم اهداف منتخب انسان و هم غایات برگزیده الهی باشند. در این حال ارزش این غایات فردی و جمعی، برخلاف دو حالت قبل دیگر تنها بر معیار هدف خداوند از خلقت استوار نیست؛ بلکه در این حالت سوم، غایاتی مستقل از هدف خداوند که منطبق بر معیارهای فردی و جمعی باشند نیز وجود دارد (تامسون، ۲۰۰۳).

روش

یکی از روش های پژوهش کیفی روش «نظریه داده بنیاد» است. به لحاظ تاریخی رد پای این نظریه را می توان در توسعه مکتب کنش متقابل نمادین^۴ در دهه های ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰ پیدا کرد (کندال، ۱۹۹۹). نظریه داده بنیاد^۵ که در ابتدا با عنوان «شیوه مقایسه مستمر^۶» نامیده شده بود؛ حاصل همکاری دو جامعه شناس آمریکایی است که سال های زیادی از عمر خویش را صرف تحقیق و پژوهش برای به کمال رساندن این نظریه کردند؛ هر چند که اختلافات روشی آنها در مراحل بعد از تأسیس نظریه باعث دو قرائت مختلف در روش انجام نظریه داده بنیاد گردید. بارنی گلنزر^۷ و آنسلم استراوس^۸ بنیان گذاران نظریه داده بنیاد هستند که هم اکنون محققان زیادی در سراسر جهان از روش آنها برای پروژه های تحقیقی استفاده می کنند. گلنزر و استراوس انگیزه خود را از معرفی این روش، رسیدن به مرحله ای از شناخت در باب موضوع مورد مطالعه می دانند که به آنها این توانایی را بدهد که نظریه را بر اساس داده های واقعی استحکام بخشند. (گلنزر و استراوس، ۱۹۶۷)

در حقیقت نظریه داده بنیاد روشی است که نظریه ها، مفاهیم، فرضیه ها و قضایا را طی یک فرآیند منظم به جای استنتاج از پیش فرض های قبلی و همچنین سایر پیش فرض ها و چارچوب های نظری موجود، به طور مستقیم از داده ها کشف می کند (پاول، ۱۹۹۹). نیومن نیز بر این باور است که نظریه داده بنیاد مجموعه ای از شیوه ها برای توسعه دادن نظریه استقرایی در مورد یک پدیده است (نیومن، ۱۹۹۷).

یکی از گام های اولیه شروع نظریه پردازی داده بنیاد، نمونه برداری نظری است. در این مرحله محقق، به جستجوی داده های مورد نیاز خود به صورت هدفمند

می پردازد. مراد از هدفمند بودن این است که در فرآیند جمع آوری داده ها، در وهله نخست باید به سراغ داده ای رفت که بیشترین و مهم ترین اطلاعات را در باب موضوع پژوهش به پژوهشگر بدهد. مطابق آنچه که گلنزر و استراوس در تحقیقات خود اعلام کرده اند؛ ملاک توقف نمونه برداری، اشباع نظری^۹ یا کفایت نظری است. مقصود از کفایت نظری مرحله ای است که در آن دیگر داده های جدیدی در ارتباط با مقوله پدید نیابند. مقوله گستره ی مناسبی یافته و روابط بین مقوله ها برقرار و تایید شده باشند (گلنزر، ۱۹۷۸).

پس از کشف نظریه داده بنیاد توسط بارنی گلنزر و آنسلم استراوس، میان این دو محقق اختلافاتی بوجود آمد که ایجاد دو قرائت مجزا از این روش تحقیقی را موجب شد. استراوس و همکارش کوربین با اتخاذ رویکرد «نظام مند»^{۱۰} تمایل به ارائه ساختاری تجویزی و قاعده مند بودند اما گلنزر با ارائه رویکرد «ظاهر شونده»^{۱۱} مخالف ارائه چنین ساختاری بود. او با نگارش کتابی به نام «ظهور در برابر فشار: مبانی تحلیل نظریه داده بنیاد»^{۱۲} اعتقاد داشت که ارائه ساختارهای تجویزی سبب می شود که مقوله ها به داده ها تحمیل شوند و اجازه ظهور نداشته باشند. در این میان رویکرد سومی نیز به نام رویکرد ساخت گرایانه^{۱۳} وجود دارد که توسط خانم کتی چارمز ارائه شده است. به نظر می رسد که این رویکرد به نسبت دو رویکرد دیگر از انعطاف بیشتری برخوردار است.

به این علت که رویکرد مورد استفاده در این مقاله رویکرد نظام مند استراوس و کوربین است؛ به صورت خلاصه و موجز مبانی این روش در چهار مرحله توضیح داده می شود.

کدگذاری باز: اولین مرحله ای که پژوهشگر در فرآیند

تحت عنوان پارادایم به آن‌ها اشاره می‌شود مجموعه‌ای گسترده و پیچیده از شرایطی است که باعث ظهور مقوله اصلی شده است. مطابق قرائت استراوس و کوربین، پارادایم متضمن و در بردارنده شرایط زیر است:

شرایط علی: حوادث، وقایع و اتفاق‌هایی که به وقوع یا گسترش پدیده‌ای می‌انجامد.

پدیده: ایده و فکر محوری، حادثه، اتفاق یا واقعه‌ای که سلسله کنش / کنش متقابل به‌سوی آن رهنمون می‌شوند.

زمینه: سلسله خصوصیات ویژه‌ای که به پدیده‌ای دلالت می‌کند.

شرایط میانجی (دخیل): شرایط ساختاری که به پدیده‌ای تعلق دارند بر راهبردهای کنش / کنش متقابل اثر می‌گذارند. آن‌ها راهبردها را در درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند و یا آن‌ها را محدود و مقید می‌کنند.

کنش / کنش متقابل: راهبردهای ایجادشده برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده‌ای، تحت شرایط مشاهده شده خاص.

پیامد: نتیجه و حاصل کنش / کنش متقابل (استراوس و کوربین، ۱۳۸۷).

کدگذاری انتخابی: روند انتخاب مقوله اصلی به‌طور منظم (سیستماتیک) و ارتباط دادن آن با سایر مقوله‌ها، اعتبار بخشیدن به روابط، و پر کردن جاهای خالی با مقولاتی است که نیاز به اصلاح و گسترش بیشتر دارند (استراوس و کوربین، ۱۳۸۷).

در اینجا محقق با طی کردن مراحل کدگذاری باز و محوری، به اصلی‌ترین و مهم‌ترین مرحله تحقیق یعنی کدگذاری انتخابی می‌رسد. در این مرحله محقق باید تلاش کند تا ضمن تلفیق مفاهیم، مقوله‌های دیگر را

نظریه‌پردازی داده بنیاد با آن روبه‌رو می‌شود کدگذاری باز است. مراد از کدگذاری روند تجزیه و تحلیل داده‌ها است. پژوهشگر در این مرحله نسبت به جمع‌آوری داده‌ها انعطاف بیشتری از خود نشان می‌دهد و شروع به گردآوری داده‌های اطلاعاتی متناسب با سؤال پژوهش می‌کند. پس از گردآوری داده‌های خام، این داده‌ها برای تولید نظریه لازم است که تبدیل به مفاهیم شوند. مفاهیم نوعی برچسب‌های ذهنی هستند که پژوهشگر به وقایع و رویدادها می‌دهد تا زمینه لازم برای تحلیل آن‌ها را به وجود آورد.

پس از مدتی که محقق شروع به گردآوری داده‌های خام و تبدیل آن‌ها به مفاهیم کرد؛ با حجم وسیعی از مفاهیم روبه‌رو می‌شود. این مفاهیم بایستی تبدیل به مقوله‌ها شوند تا بتوانند در ساختار علمی تحقیق مورد استفاده قرار گیرند.

مقوله‌ها در مقایسه با مفاهیم انتزاعی‌تر بوده و سطحی بالاتر را نشان می‌دهند. آن‌ها از طریق همان فرآیند تحلیلی انجام مقایسات برای برجسته‌سازی شباهت‌ها و تفاوت‌ها که در سطح پایین‌تر برای تولید مفاهیم استفاده شد، تولید می‌شوند. مقوله‌ها شالوده ساختن نظریه هستند. آن‌ها ابزاری را فراهم می‌کنند که به‌وسیله آن‌ها نظریه می‌توان یکپارچه شود (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۱).

کدگذاری محوری: کدگذاری محوری ناظر به رویه‌ای است که در آن محقق اقدام به انتخاب مقوله اصلی و محوری می‌کند. به عبارت دیگر در این مرحله، یک مقوله اصلی انتخاب می‌شود و سایر مقوله‌ها که به آن خرده مقوله گفته می‌شود؛ در گرداگرد مقوله اصلی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. در حقیقت، نقش خرده مقوله‌ها بیان شرایطی است که باعث بروز و ظهور مقوله اصلی شده است. این خرده مقوله‌ها که

در روش نظریه‌پردازی داده بنیاد انتخاب داده‌ها و به تبع آن نمونه اول تصادفی نیست و کاملاً به صورت هدفمند انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر، نمونه اول، نمونه‌ای است که بیشترین و دقیق‌ترین اطلاعات را به محقق می‌دهد. در این مقاله علیرغم اهمیت یکسان دست‌نوشته‌ها و سخنرانی‌ها، کتاب «حماسه و عرفان» به دلایل زیر به عنوان نمونه اول کدگذاری شد:

۱. شهید چمران در جریان آزادسازی سوسنگرد مجروح می‌شود و به ناچار مدتی در مقر ستاد جنگ‌های نامنظم بستری می‌شود. او در این مدت به نگارش دست‌نوشته‌هایی می‌پردازد که از اهمیت زیادی برخوردارند. این اهمیت از آن رو است که شهید چمران موقعیت مرگ را از سر گذرانده است و در نتیجه بررسی نوع نگاه ایشان به زندگی پس از گذراندن این تجربه حائز اهمیت فراوان است.

۲. شهید چمران این دست‌نوشته‌ها را در واپسین سال‌های عمر خویش نگاشته است. بدیهی است که تحلیل این دست‌نوشته‌ها اطلاعات دقیق‌تری از نوع نگاه ایشان به معنای زندگی را به دست می‌دهد.

۳. البته لازم به یادآوری است بنا به اعتقاد مهدی چمران آنچه در مجموعه «حماسه عشق و عرفان» گردآوری شده است عموماً از دست نگاشته‌های شهید چمران در همین زمان مجروحیت و استراحت در مقر ستاد جنگ‌های نامنظم است؛ اگرچه ممکن است از سایر دست‌نوشته‌ها نیز استفاده شده باشد.

با انتخاب کتاب «حماسه، عشق و عرفان» به عنوان نمونه اول، کار کدگذاری و تحلیل داده‌ها انجام گرفت. شیوه کار به این صورت بوده است که با استخراج جملات اولیه از کتاب مذکور و تحلیل این جملات، کدهای باز ایجاد شدند. منظور از جملات داده‌های خام اولیه است و منظور از کدها عنوان و برچسبی

به مقوله محوری پیوند دهد و روابط آن‌ها را بررسی کرده و به تأیید برساند. اگر مقوله‌ای خوب رشد نکرده باشد؛ محقق بایستی دوباره به میدان تحقیق بازگردد و با استفاده از تکنیک تحلیل و مقایسه مداوم آن را تقویت کند. روند ربط دهی مقولات و تولید آن‌ها بایستی بدون هرگونه اعمال فشاری از طرف محقق باشد تا به تولید مفاهیم و مقوله‌هایی قوی و حقیقی از داده‌ها منجر شود. در این مرحله مقوله‌ها در یکدیگر ادغام می‌شوند و شرایط لازم برای تولید نظریه را فراهم می‌کند.

ارائه تئوری داده بنیاد: بعد از مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی، محقق به مراحل پایانی تحقیق خود نزدیک می‌شود و بایستی کار ارائه نظریه را آغاز نماید. نتایج تحقیق می‌تواند از سه طریق زیر ارائه شود:

الگوی کدگذاری بصری: در این روش محقق از طریق جداول و نمودارها نتایج تحقیق خود را نشان می‌دهد.

ارائه قضایا: قضایا بیانگر روابطی هستند که مقوله‌ها با مقوله محوری دارند.

ارائه نتایج تحقیق از طریق داستان به صورت روایی: در این مورد محقق با شرح توضیحاتی به صورت روایی نتایج تحقیق را ارائه می‌دهد.

در تحلیل معنای زندگی از نگاه شهید چمران توجه به موارد زیر ضروری است:

شهید چمران در دوران زندگی خود کتابی را منتشر نکرده است؛ اما دست‌نوشته‌ها و سخنرانی‌هایی از او به جامانده است که بعد از شهادت ایشان جمع‌آوری و تحت عنوان‌های زیر انتشار یافته است: بینش‌ها و نیایش‌ها، علی‌زیباترین سروده هستی، نیایش‌ها، عارفانه، حماسه عشق و عرفان، لبنان، خدا بود و دیگر هیچ نبود، کردستان، دعای کمیل، انسان و خدا و رقصی چنین میانه میدانم آرزوست.

عنوان مثال نشان انتخاب شده برای کد «استعمار ستیزی»، ۰۰۳ر بوده است. هدف از کدگذاری و اختصاص نشان ها، پرهیز از ادای جمله اولیه و تولید مفاهیم و مقولات برای تحلیل متن مورد مطالعه است. پس از کدگذاری نمونه اول مفاهیم دسته بندی شدند. و همین کار برای دیگر نمونه ها نیز به منظور رسیدن به مرحله کفایت نظری انجام گرفت و سپس کار مقوله سازی و ارائه مدل نهایی تحقیق صورت پذیرفت. در اینجا برای آشنایی با نحوه فرآیند جمع آوری داده ها و کدگذاری های انجام گرفته، نمونه ای از کدگذاری باز در جدول شماره ۱ آمده است.

است که گویای محتوای داده است؛ به گونه ای که محقق و خواننده با مشاهده این عنوان تا حدود زیادی به مفهوم جملات پی می برند (مایلز و هابرماس، ۲۰۰۲). به عنوان مثال یکی از جملاتی که از بررسی نمونه اول به دست آمد، جمله زیر بود: «چه روزها و سال هایی بود که آرزو می کردیم تفنگ به دست بگیریم و علیه استعمار بجنگیم، میسر نشد». با خوانش این داده اولیه در می یابیم که هدف این جمله، بیان تمایلی برای مبارزه با استعمار است. به همین دلیل کد «استعمار ستیزی» برای بیان فحوای آن انتخاب شد. با انتخاب این کد، یک نشانه و علامت اختصاصی را نیز برای این کد معرفی می کنیم. به

جدول ۱- بخشی از کدهای مستخرج شده مورد اول

نشان ها	کدهای باز	جملات مستخرج از مورد اول
۰۰۱ر	جشن بودن شهادت	رزمنده ای که آماده شهادت است، جشن می گیرد. جشن او درباره روح، درباره خدا، درباره تکامل، درباره معراج، درباره شهادت است.
۰۰۲ر	معنای زندگی معراج و طیران روح	اصولاً زندگی واقعی یک انسان مجموعه همین لحظات مقدسی است که از زمین جدا می شود و با خدا مربوط می گردد. روحش به معراج می رود، و فطرت طبیعی خود را بازمی یابد.
۰۰۳ر	استعمارستیزی	چه روزها و سال هایی بود که آرزو می کردیم تفنگ به دست بگیریم و علیه استعمار بجنگیم، میسر نشد.
۰۰۴ر	شهادت طلبی	دلَم لک زده است برای انقلاب حسینی، که با خیال راحت، با وجدان پاک، با آرامش ضمیر بجنگم و شهید شوم.
۰۰۵ر	شهادت طلبی	آیا ممکن است با آرایش ضمیر، اخلاص و ایثار به استقبال شهادت بروم و تجربه ابراهیم را بر خودم تکرار کنم. همه وجودم را قربانی خدای خود کنم که بزرگترین لذت هاست. آیا ممکن است که با شجاعت و قدرت و عظمت و ایمان و عشق مثل حسین بجنگم و به استقبال شهادت بروم؟
۰۰۶ر	لذت بخش بودن شهادت	
۰۰۷ر	محشور شدن شهدا با اصحاب حسین (ع)	این کسانی که خالصانه امروز در این کربلا و در این عاشورا به خاک شهادت می غلطند، با اصحاب حسین محشور می شوند.

۲۰۰۸ر	دوری از خواهش‌های نفسانی	
۲۰۰۹ر	آرزوی وصال خداوند	خدایا، همه خواسته‌ها و همه خواهش‌ها و همه طاغوت‌ها و همه خودخواهی‌ها را از دل ما ببر و فقط آرزوی وصال خدا را و رضایت خدا را و مبارزه فی سبیل الله را در دل ما جایگزین کن.
۲۰۱۰ر	آرزوی رضایت خداوند	
۲۰۱۱ر	آرزوی مبارزه در راه خداوند	
۲۰۱۲ر	التزام به ارزش‌های انسانی	معیار ما احترام به انسان، التزام به ارزش‌های انسانی و آزادی از استعمار فرهنگی است.
۲۰۱۳ر	هدف زندگی فنا فی الله	هدف {هدف زندگی}، نزدیکی به خدا، فنا فی الله و رسیدن به بهشت است.
۲۰۱۴ر	زیستن برای خدا	
۲۰۱۵ر	لذت زندگی معراج و نزدیکی به خدا	همه انرژی‌های انسان در راه تکامل و نزدیکی خدا پیش برود. لذت او در معراج و نزدیکی به خدا باشد، و این آن زندگی است که منتظر آنیم.
۲۰۱۶ر	وصال به خدا هدف زندگی	
۲۰۱۷ر	وسیله بودن زندگی دنیوی	اسلام می‌خواهد انسان را در این راه رهبری کند که به خدا برسد و فقط هدف، خدا باشد. بنابراین، ماده وسیله است، زندگی وسیله است؛ علم هم وسیله است.
۲۰۱۸ر	خدا را هدف زندگی قرار دادن	از نظر فرهنگی، این انقلاب باید راهنمای روح انسان‌ها باشد. از ماده انسان را جدا کند و خدا را هدف قرار دهد.
۲۰۱۹ر	هدف حیات وصال خداوند	هدف حیات، از نظر ما، رسیدن به خدا، تقرب به خدا و محو شدن در خداست.
۲۰۲۰ر	هدف حیات، وصال به خدا	
۲۰۲۱ر	هدف حیات، تکامل مطلق	هدف، رسیدن به خدا {و} تکامل مطلق است.
۲۰۲۲ر	عدم توجه به آرزوهای دنیوی	
۲۰۲۳ر	اهتمام به معراج و طیران روح	و من در آن ساعات آخرین عمر، در حالاتی سیر می‌کردم که از زندگی و احتیاجات مادی و آرزوهای پست و ناچیز دنیایی به دور بود. و حتی حیقم می‌آمد که آخرین لحظات عمرم را صرف کارهای دیگری کنم و از خدای خود و احتیاجات قلبی‌ام و پرواز روح به معراج غفلت کنم.
۲۰۲۴ر	اخلاص در عمل	و چه مستهجن است که کسی به نام اسلام و ایمان و تقوا شعار بدهد ولی در عمل اسلام و ایمان و تقوا را زیر پا بگذارد و بکوبد.

۲۵ر	مشکلات زندگی زمینه‌ساز آماده کردن بشر برای مقام انسانیت	همه مبارزه، جنگ و مصیبت، فشار، درد و غم، برای ساختن و آماده کردن این بشر برای آن مقام انسانیت است.
۲۶ر	اعتقاد به اسلام به‌عنوان ایدئولوژی زندگی	راه و روش مکتب ما، اعتقاد به اسلام به‌عنوان ایدئولوژی زندگی است.
۲۷ر	تقوی	
۲۸ر	ایمان به خدا	راه و روش مکتب ما، تقوی، ایمان به خدا، خلوص.
۲۹ر	خلوص	
۳۰ر	مبارزه با طاغوت‌ها	راه و روش مکتب ما، مبارزه با طاغوت‌ها از هر نوع، و فقط تسلیم در برابر خدای بزرگ.
۳۱ر	تسلیم در برابر خدای بزرگ	
۳۲ر	عمل صالح	
۳۳ر	اخلاص در خدمت به خلق	راه و روش مکتب ما، عمل صالح، خدمت به خلق، به دور از ریا و تکبر و خودخواهی و همه اعمال برای رضایت الهی.
۳۴ر	هدف نهایی اعمال رضایت الهی	
۳۵ر	اعتقاد به تکامل انسان	جنگ عراق از دیدگاه فلسفی به وجود آمد تا این تکامل انسانی را در جامعه ما تسریع کند، و فکر می‌کنم تا به حال نیز بسیار مؤثر بوده است.
۳۶ر	فداکاری در راه خدا	از نظر فداکاری، همه وجود خود را برای خدا و مردم بدانیم و همه مصالح خود را فدا کنیم.
۳۷ر	عدم توجه به تعلقات مادی حیات	از نظر زندگی، همه تعلقات مادی حیات، زندگی اشرافی، اسراف بازی، تجملات و همه زرق و برق زندگی را فراموش کنیم و با درویشی و علی وار زندگی کنیم.
۳۸ر	علی وار زیستن	
۳۹ر	عمل‌گرا بودن	بباید کار کنیم، فداکاری کنیم، شعار ندهیم، تهمت نزنیم.
۴۰ر	انجام امور فقط برای رضایت خدا	می‌خواهم آرام، بی‌سروصدا، فقط برای خدا، تا آنجا که می‌توان و قدرت دارم، به اسلام و به انقلاب و به میهنم خدمت کنم، و در این راه هیچ پاداشی از هیچ‌کس نمی‌خواهم.

در مرحله بعد با ادغام موارد مشابه و تکراری تعداد کدهای باز این نمونه به ۸۴ کد تقلیل یافت که به جهت رعایت اختصار از ارائه جدول آن اجتناب کردیم.

از مجموع مطالب کدگذاری شده در کتاب «حماسه عشق و عرفان» به‌عنوان نمونه اول، جمعاً ۸۲ جمله و ۱۲۱ کد استخراج گردید.

با تحلیل کدهای فوق، برخی از این کدها به لحاظ اشتراک در معنا و محتوا، در مجموعه واحدی به نام مفاهیم قرار گرفتند. مفاهیم در واقع کدهای انتزاعی تر هستند که زمینه پیدایش مقولات را فراهم می کنند. در این مرحله ۲۰ مفهوم به شرح زیر ایجاد شد:

«شوق به قربانی شدن در راه خدا (شهادت طلبی)»، «اهتمام به معراج و طیران روح»، «استعمارستیزی»، «عدم توجه به منافع و لذات دنیوی»، «آرزوی مبارزه در راه خداوند»، «التزام به ارزش های انسانی»، «تبلور معنای زندگی در خداوند»، «هدف حیات، تکامل مطلق»، «اخلاص در عمل»، «مشکلات دنیا زمینه ساز تکامل»، «اهتمام به دین داری»، «کنش های عملی مبتنی بر خدامحوری»، «الگوپذیری از ائمه (ع)»، «عمل گرا بودن»، «محبوبیت در میان مردم»، «اهتمام به لذات روحی»، «هنرمندی»، «اصالت ندادن به جهان مادی»، «عشق به وطن» و «حضور در موقعیت مرگ».

همین فرآیند مفهوم سازی برای ۹ نمونه دیگر هم انجام گرفت و در نهایت با رسیدن تحقیق به مرحله کفایت نظری در مجموع ۴۰ مفهوم و به تبع آن ۱۱ مقوله شکل گرفت که از میان این ۱۱ مقوله نیز، مقوله «خداباوری در زندگی» به عنوان مقوله محوری در نظر گرفته شد. مقوله ها در حقیقت نسبت به مفاهیم

انتزاعی تر هستند و دایره شمول آنها از گستردگی بیشتری برخوردار است. به عنوان مثال یکی از مقولات استفاده شده، مقوله «انقلابی بودن» است. این مقوله از مفاهیمی مانند استعمارستیزی، عشق به وطن، حضور در فضای انقلاب اسلامی، اعتقاد به اهداف انقلاب اسلامی، بینش سیاسی و آگاهی به امور، مهارت در امور نظامی و ایجاد حرکت های انقلابی در لبنان انتزاع شده است.

با مشخص شدن مقولات بدست آمده، کار ربط دهی مقولات به یکدیگر و نتیجه گیری از تحقیق آغاز شد. ربط دهی مقولات و تحلیل آنها زمینه نتیجه گیری از تحقیق را فراهم می کند. به عنوان مثال ما از مقولات ایجاد شده در این تحقیق دریافتیم که شهید چمران در زندگی خویش خدا باور بوده است، شوق به شهادت داشته است، به دنیا و لذت های آن بی تفاوت بوده است و... با کمی دقت مشخص می شود که خداباوری در زندگی باعث بی تفاوتی به دنیا و لذت های مادی می شود. همچنین خداباوری قوی و عشق به خدا و آموزه های دینی و عرفانی در زندگی شهید چمران، باعث می شود که زمینه لازم برای تحقق آرزوی ایشان که شهادت طلبی و لقاء الله بود، فراهم گردد. جدول شماره ۲ نتایج کدگذاری و مقوله سازی مجموع ده نمونه را نشان داده است.

جدول ۲- نتایج کدگذاری و مقوله سازی از مصاحبه ها

مقولات	مفاهیم	کدهای باز	نشان ها
	شوق به قربانی شدن در راه خدا	جشن بودن شهادت، شهادت طلبی، لذت بخش بودن شهادت، اعتقاد به محشور شدن شهدا با اصحاب حسین (ع)، مقدس بودن قربانی شدن در راه خدا، اعتقاد به قربانی شدن در راه خدا، افتخار به شهادت طلبی، عشق خدایی علت ایثار، ایثار	۰۰۱-۰۰۴-۰۰۵-۰۵۶- ۰۵۹-۱۲۱-۰۰۶-۰۰۷- ۰۷۸-۰۷۹-۰۸۸-۰۹۸- ۱۰۸-۱۰۹-۱۰۲-۱۰۳- ۱۱۳-۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸- ۱۱۹-۱۱۴-۱۱۱-۱۲۰- ۰۱۱-۰۱۲-۰۲۶-۰۶۸- ۰۴۱-۰۴۷-۰۶۷-۰۷۰-
قربانی شدن در راه خدا	مهرگ، آرزوی مبارزه در راه خدا، مرگاندیشی و عدم هراس از	شهادت طلبی، عشق خدایی علت ایثار، ایثار	

<p>۰۰۷۱ ۰۰۷۵ - ۰۰۲۷ ک - ۰۰۳۰ ک - ۰۰۳۷ ک - ۰۰۴۸ ک - ۰۰۲۸ ک - - ۰۰۳۵ ک - ۰۰۲۶ ک - ۰۰۴۱ ک - - ۰۰۶۰ ک - ۰۰۶۱ ک - ۰۰۶۸ ک - - ۰۰۱۰ ک - ۰۰۳۱ ک - ۰۰۳۲ ک - - ۰۰۸۱ ک - ۰۰۲۹ ک - ۰۱۰۸ ک - - ۰۰۳۳ ک - ۰۰۴۲ ک - ۰۰۵۷ ک - - ۰۰۵۸ ک - ۰۰۵۹ ک - ۰۰۶۹ ک - - ۰۱۰۳ ک - ۰۰۸۳ ک - ۰۰۹۹ ک - - ۰۱۰۰ ک - ۰۰۱۹ ک - ۰۰۶۴ ک - - ۰۱۰۷ ک - ۰۰۰۸ س - ۰۰۰۹ س - - ۰۰۴۸ س - ۰۰۵۰ س - ۰۰۱۰ س - - ۰۰۱۱ س - ۰۰۴۰ س - ۰۰۴۹ س - - ۰۰۱۳ س - ۰۰۲۲ س - ۰۰۳۳ س - - ۰۰۰۷ س - ۰۰۲۶ س - ۰۰۲۹ س - - ۰۰۳۴ س - ۰۰۴۵ س - ۰۰۰۵ و - - ۰۰۲۸ و - ۰۰۴۷ و - ۰۰۷۳ و - ۰۰۷۶ و - - ۰۰۱۹ و - ۰۰۲۷ و - ۰۰۲۹ و - ۰۰۳۸ و - - ۰۰۷۰ و - ۰۰۱۷ و - ۰۰۳۷ و - ۰۰۶۹ و - - ۰۰۴۲ و - ۰۰۶۱ و - ۰۰۷۵ و - ۰۰۱۵ و - ۰۰۱۰ ج - ۰۰۰۷ ج - ۰۰۲۱ ج - - ۰۰۰۸ ج - ۰۰۳۱ ج - ۰۰۴۲ ج - - ۰۰۱۵ ج - ۰۰۱۷ ج - ۰۰۲۹ ج - - ۰۰۲۸ ج - ۰۰۲۶ ج - ۰۰۲۷ ج - ۰۰۳۹ ج - ۰۰۳۴ ج - ۰۰۳۶ ج - ۰۰۱۹ ج - - ۰۰۰۹ ج - ۰۰۱۸ ج - ۰۰۲۳ ج - - ۰۰۳۷ ج - ۰۰۷۴ ز - ۰۰۰۴ م - ۰۰۱۰ م - ۰۰۱۵ م - ۰۰۲۶ م - ۰۰۲۸ م - - ۰۰۱۳ م - ۰۰۲۴ م - ۰۰۱۱ ص - - ۰۰۳۷ ص - ۰۰۱۴ ص</p>	<p>شهادت، محو شدن در خدا از طریق شهادت، شهادت عالی‌ترین درجه تکامل، شهادت قربانی کردن خود در راه خدا، عشق به قربانی شدن در راه خدا، اعتقاد به قربانی شدن در راه خدا، آماده قربانی شدن در راه خدا، آرامش ابدی در شهادت، زیبایی شهادت و لقای پروردگار، آرزوی مبارزه در راه خداوند، قرار گرفتن در موقعیت مرگ، جهاد فقط در راه خدا، لذت مبارزه در راه خدا، استقبال از شهادت، ارزشمند بودن شهادت، سعادت زندگی در شهادت، شهادت لذت‌بخش‌ترین امید حیات، دل بستگی به شهادت در راه خدا، به استقبال مرگ رفتن، عدم ترس از مرگ، انس و الفت با مرگ، مرگ‌اندیشی، آمادگی برای مرگ، زیبا بودن در آغوش کشیدن مرگ، حضور در موقعیت مرگ، دل بستن به شهادت، به استقبال شهادت رفتن، شهادت راه نجات، انتظار شهادت، آرزوی لقاءالله، آمادگی برای قربانی شدن در راه خدا، شهادت‌طلبی، شوق به لقاءالله، میل به قربانی شدن در راه خدا، میل به محو شدن در وجود خدا، لقای پروردگار در جهانی دیگر، امتحان شدن از طریق قربانی دادن، نهراسیدن از مرگ، شوق به قربانی شدن در راه خدا، متوسل شدن به شهادت، انتظار لقاءالله، فنای فی الله، لذت شهادت، اعتقاد به آرام‌بخش بودن مرگ، افتخارآمیز بودن شهادت در راه خدا، بریدن از دنیا و آماده شهادت شدن، میل به شهادت، شوق و ذوق نسبت به شهادت، عشق به شهادت در راه خدا، آرزوی قربانی شدن در راه خدا، هم‌نشینی با مرگ</p>	<p>مرگ</p>
<p>۰۰۰۳ ر - ۰۰۳۰ ر - ۰۰۴۶ ر - ۰۱۰۴ ر - - ۰۰۰۳ ه - ۰۰۰۷ ه - ۰۰۰۴ ه - ۰۰۰۵ ه - - ۰۰۰۶ ه - ۰۰۰۸ ه - ۰۰۱۳ ه - ۰۰۳۸ ه - - ۰۰۰۲ ج - ۰۰۰۳ ج - ۰۰۰۵ ج - - ۰۰۰۴ ج - ۰۰۰۷ ز - ۰۰۰۸ ز - ۰۰۰۹ ز - - ۰۰۱۸ ز - ۰۰۰۸۶ ز - ۰۰۸۹ ز - - ۰۰۲۸ ز - ۰۰۲۹ ز - ۰۰۳۰ ز - ۰۰۴۳ ز -</p>	<p>استعمارستیزی، مبارزه با طاغوت‌ها، تلاش برای گسترش حکومت عدل اسلامی، عشق به وطن، توطئه دشمنان برای سقوط انقلاب، شرایط بحرانی ارتش در اوایل انقلاب، مردمی بودن انقلاب، اعتقاد به وحدت برای مبارزه با</p>	<p>استعمارستیزی، عشق به وطن، حضور در فضای انقلاب اسلامی، اعتقاد به اهداف انقلابی بودن</p>

<p>۰۵۰ز-۰۵۱ز-۰۴۴ز-۰۳۰م- ۰۱۶م-۰۲۳م-۰۰۶م-۰۱۷م -۰۱۹م-۰۳۱م-۰۳۰م- -۰۲۷م-۰۲۲م-۰۰۲م- ۰۱۰م-۰۱۰ل</p>	<p>انقلاب اسلامی، بینش سیاسی و آگاهی به امور، مهارت در امور نظامی، ایجاد حرکت‌های انقلابی در لبنان دشمن، عدم توجه مردم به مسائل مادی در اوایل انقلاب، پیروزی انقلاب با تأکید بر جنبه‌های معنوی، روحیه استکبارستیزی، دقت و تحلیل درست مسائل، افشاگری فریبکاری دشمن، بینش سیاسی و اطلاعات تاریخی، دشمنی ابرقدرت‌ها با انقلاب ایران، یادگیری فنون نظامی، پایه ریزی سازمان‌های چریکی، فرماندهی ستاد جنگ‌های نامنظم، توانایی نظامی، مهارت در امور نظامی، رهبری فکری و عملی شیعیان لبنان، هدایت مقاومت‌های شهادت آمیز در لبنان، ایجاد حرکت‌های انقلابی در لبنان، وقف کردن خود در خدمت به نظام و رهبری، عشق به امام، دل بستگی به انقلاب، اشراف بر اوضاع سیاسی، اعتقاد به جنایتکار بودن اسرائیل، نبرد با اسرائیل، آگاهی از جریان‌های سیاسی و انقلابی خاورمیانه، شکست ایدئولوژی‌های مارکسیستی، اخلاص در میان انقلابیون ایران، روحی و خدایی بودن انقلاب، دادخواهی شیعیان لبنان، محوریت اسلام در سازمان حرکت محرومین</p>	
<p>۰۰۸ر-۰۲۲ر-۰۳۷ر-۰۵۵ر -۰۵۷ر-۰۶۱ر-۰۶۴ر- ۰۶۲ر-۰۷۱ر-۰۷۴ر-۰۷۳ر- ۱۰۰ر-۰۷۵ر-۰۳۹ر-۰۴۲ر- ۰۴۴ر-۰۴۵ر-۰۵۴ر-۰۴۳ر- -۰۶۵ر-۰۶۹ر-۰۶۶ر- -۰۰۲ر-۰۰۴ر-۰۰۵ر- -۰۰۶ر-۰۰۸ر-۰۰۵ر- -۰۰۸ر-۰۰۶ر-۰۰۶ر- -۰۱۵ر-۰۱۶ر-۰۰۶ر- ۰۱۹س-۰۲۱س-۰۳۱س- -۰۴۲س-۰۰۷و-۰۱۲و- ۰۱۳و-۰۲۰و-۰۲۱و-۰۲۳و- ۰۳۵و-۰۳۶و-۰۳۳ز-۰۴۷ز- -۰۰۵م-۰۰۸ز-۰۰۱ص- -۰۱۶ص-۰۰۸ص-۰۱۷ص- -۰۱۸ص-۰۲۲ص-۰۲۰ص- -۰۴۳ص-۰۲۸ص-۰۲۴ص- ۰۲۷ص-۰۰۶ل</p>	<p>دوری از خواهش‌های نفسانی، عدم توجه به آرزوها و منافع دنیوی، ساده زیستی، مردود بودن لذت‌های مادی، لذت برای هدف‌های مقدس، برخورداری از عمیق‌ترین لذات روحی، زندگی حقیقی در دنیایی دیگر، بی‌ارزش بودن حیات دنیوی، دست کشیدن از لذت‌ها و منافع دنیوی، پوچی لذت دنیوی، رهایی از قیدوبندها و پوچی‌ها، ناپایداری روزگار، بی‌ارزش بودن دنیای مادی، بریدن از دنیا، روحیه دنیا گریزی، پرهیز از دنیاطلبی، پرهیز از رفاه‌طلبی، بی‌اهمیت بودن زندگی، بی‌معنایی لذت‌های مادی، عدم دلبستگی به دنیای مادی، عدم توجه به لذت دنیوی، وجود آرامش در جهانی دیگر، فانی بودن زندگی دنیوی، عدم توجه به منافع دنیوی،</p>	<p>عدم توجه به منافع و لذات دنیوی، اهتمام به لذات روحی، اصالت ندادن به جهان مادی عدم توجه به دنیاگرایی</p>

بی‌توجهی به دنیا، اسیر بودن در جهان مادی، آزادی از اسارت در جهانی دیگر، رها شدن از تعلقات دنیوی، از بین بردن آرزوهای مادی، چشم‌پوشی از مؤلفه‌های زندگی مادی، دست شستن از جهان، عدم علاقه به دنیای فانی، پوچی زندگی و آرزوهای زودگذر، وداع با دنیای مادی، آماده شدن برای ورود به دنیایی دیگر، پوچی زندگی دنیوی، دنیا محل امتحان، اعتقاد به جهان دیگر و تکامل در آن، اعتقاد به جهانی دیگر

التزام به ارزش‌های انسانی، رعایت حقوق دیگران، مسئولیت‌پذیری، رعایت حقوق بینوایان، عدالت‌طلبی، اخلاص در عمل، بی‌زاری جستن از ریاکاری، عدم استفاده ابزاری از دین، عمل‌گرا بودن، کمک به زجر دیدگان، مبارزه به خاطر مستضعفین، تواضع و فروتنی، اخلاص و عدم ریاکاری، عدم توقع از خداوند، فداکاری و شجاعت، در فکر یتیمان و دردمندان بودن، یارو یاور محرومین و بینوایان، خدمت به محرومین و مظلومین، بخشش و عطا کردن، صداقت، وفاداری، اجتناب از غرور و نخوت، اخلاق‌مداری، پایبندی به ارزش‌های اخلاقی، شجاعت و دلاوری، پرستش خالصانه خداوند، فداکاری، صبور بودن، پایمال نکردن حقیقت، حق‌طلبی، احساس مسئولیت در برابر دیگران، اخلاص در راه خدا، عدم خودخواهی و مصلحت‌طلبی، عشق به مخلوقات، صبر و تحمل، ترجیح مرگ شرافتمندانه بر زندگی ننگین، لذت ایثار، جهاد خالصانه در راه خدا، بهره‌گیری از علم برای کمک به مستضعفان، خلوص و پاکی، صفای درون، متواضع بودن، ایثار، متعهد بودن، معلم متعهد، جنگجو بودن، شجاعت و جنگاوری، حمایت از محرومین، عدم تسلیم در برابر ظلم و کفر و جهل، اهل حق بودن، ناراحتی به خاطر مظلومان

التزام به ارزش‌های انسانی، اخلاص در عمل، عمل‌گرا بودن، شجاعت،

اهتمام به ارزش‌های انسانی

- ۰۱۲-ر - ۰۶۷-ر - ۰۶۹-ر - ۰۹۵-ر -
 ۰۹۷-ر - ۰۲۴-ر - ۰۲۹-ر - ۰۳۳-ر -
 ۰۴۴-ر - ۰۴۸-ر - ۰۶۶-ر - ۰۶۸-ر -
 ۰۸۳-ر - ۰۹۰-ر - ۰۱۰۶-ر - ۰۸۹-ر -
 ۰۹۶-ر - ۰۳۹-ر - ۰۴۶-ر - ۰۵۳-ر -
 ۰۶۴-ر - ۰۴۸-ر - ۰۵۵-ر - ۰۶۱-ر -
 ۰۶۳-ر - ۰۶۲-ر - ۰۷۴-ر -
 ۰۵۲-ر - ۰۸۷-ر - ۰۹۸-ر -
 ۰۴۳-ر - ۰۴۶-ر - ۰۴۷-ر -
 ۰۴۹-ر - ۰۵۰-ر - ۰۷۱-ر -
 ۰۷۸-ر - ۰۵۱-ر - ۰۶۳-ر -
 ۰۶۵-ر - ۰۶۶-ر - ۰۹۲-ر -
 ۰۳۴-ر - ۰۰۳-ر - ۰۲۴-ر -
 ۰۲۵-ر - ۰۳۸-ر - ۰۳۶-ر -
 ۰۴۷-ر - ۰۱۲-ر - ۰۰۳-ر - ۰۴۸-ر -
 ۰۰۶-ر - ۰۵۴-ر - ۰۵۳-ر - ۰۷۲-ر -
 ۰۱۳-ر - ۰۳۲-ر - ۰۴۶-ر -
 ۰۱۶-ر - ۰۳۰-ر - ۰۴۲-ر -
 ۰۴۴-ر - ۰۵۷-ر - ۰۱۳-ر - ۰۱۴-ر -
 ۰۲۷-ر - ۰۳۸-ر - ۰۶۱-ر - ۰۴۸-ر -
 ۰۶۹-ر - ۰۲۴-ر - ۰۳۶-ر - ۰۳۹-ر -
 ۰۷۳-ر - ۰۵۶-ر - ۰۶۸-ر - ۰۱۲-ر -
 ۰۷۰-ر - ۰۷۱-ر - ۰۷۲-ر -
 ۰۹۰-ر - ۰۰۱-ر - ۰۱۴-ر - ۰۱۲-ر -
 ۰۲۵-ر - ۰۰۵-ر - ۰۳۶-ر -
 ۰۲۳-ر - ۰۳۰-ر - ۰۱۰-ر -
 ۰۱۳-ر - ۰۳۸-ر - ۰۴۲-ر -
 ۰۰۹-ر - ۰۰۴-ر - ۰۰۱-ر -

<p>۰۱۷-ر-۰۲۱-ر-۰۳۵-ر-۰۴۱-ر- ۱۰۵-ر-۰۹۲-ر-۰۲۵-ر-۱۱۵-ر- -۰۳۰-۰۲۴-۰۰۱-ک- ۰۹۵-ک-۰۲۲-و-۰۳۲-و- ۰۰۱-ز-۰۰۷-م-۰۰۹-م-۰۲۹- -۰۱۱-ل-۰۱۲-ل-</p>	<p>وسيله بودن زندگى دنيوى، هدف حيات تكامل مطلق، اعتقاد به تكامل انسان، مشروط بودن درجه كمال به ميزان مقاومت انسان در برابر خواسته‌هاى نفسانى، مشكلات زندگى زمينه‌ساز آماده كردن بشر براى مقام انسانيت، دنيا محل امتحان بودن، هدف مبارزات دينى هدايت انسان‌ها و تغيير و تحول نفسانى آن‌ها، تأكيد بر جنبه روحى و معنوى انسان، علاقه‌مندى به تكامل، تحمل درد و غم و خطر لازمه تكامل رسيدن به كمال با تحمل درد و رنج، اعتقاد به تكامل روح انسانى، دنيا محل امتحان، بريدن از دنيا، آرزوى رسيدن به كمال مطلق، لازمه تكامل قربانى شدن در راه خدا، قربانى شدن در راه خدا لازمه تكامل نهايى انسان</p>	<p>هدف حيات تكامل مطلق، مشكلات دنيا زمينه‌ساز تكامل، تأكيد بر تحول نفسانى انسان تأكيد بر تكامل و تحول نفسانى</p>
<p>۰۲۶-ر-۰۲۸-ر-۰۳۱-ر-۰۴۲-ر- ۰۴۵-ر-۰۵۰-ر-۰۵۱-ر-۰۸۷-ر- ۰۵۲-ر-۰۶۳-ر-۰۸۰-ر-۰۸۱-ر- ۰۸۴-ر-۰۹۳-ر-۰۹۴-ر-۰۲۷-ر- ۰۶۵-ر-۰۳۶-ر-۰۳۲-ر-۰۴۹-ر- ۰۶۰-ر-۰۸۲-ر-۰۸۵-ر-۰۸۶-ر- ۰۳۸-ر-۰۵۳-ر-۰۵۴-ر-۰۱۰-و- ۰۲۹-و-۰۳۷-و-۰۴۹-و-۰۳۲-و- ۰۳۳-و-۰۳۴-و-۰۳۵-و-۰۴۰-و- ۰۶۰-و-۰۷۳-و-۰۵۰-و-۰۵۱-و- ۰۵۶-و-۰۵۷-و-۰۵۸-و-۰۵۹-و- ۰۲۶-ك-۰۰۳-ك-۰۴۵-ك- ۰۸۴-ك-۰۰۹-ك-۰۲۲-ك- ۰۳۹-ك-۰۱۰-ك-۰۲۶-ك- ۰۳۸-ك-۰۶۲-ك-۰۱۰۴-ك- ۱۰۲-ك-۰۰۷-ك-۰۱۱-ك- ۰۱۲-ك-۰۲۰-ك-۰۲۱-ك- ۰۴۰-ك-۰۴۴-ك-۰۶۷-ك- ۰۷۰-ك-۰۷۷-ك-۰۹۷-ك- ۱۰۵-ك-۰۰۱-س-۰۱۵-س- ۰۲۰-س-۰۲۸-س-۰۳۶-س- ۰۳۷-س-۰۴۳-س-۰۱۶-س- ۰۲۷-س-۰۳۹-س-۰۳۲-س- ۰۰۱-و-۰۰۳-و-۰۰۸-و-۰۰۹-و- ۰۲۶-و-۰۴۱-و-۰۶۸-و-۰۳۴-و- ۰۴۳-و-۰۵۵-و-۰۵۸-و-۰۶۶-و-</p>	<p>اعتقاد به اسلام به‌عنوان ایدئولوژى زندگى، ايمان به خدا، تسليم در برابر خداى بزرگ، علاقه‌مندى به اسلام، تلاش براى پيروزى اسلام، كار كردن براى اسلام، لازمه آزادى پرستش خداوند، تلاش براى مسلمان بودن، تحمل سختى‌ها به خاطر خداوند، اعتقاد به مبانى دينى، اعتقاد به ناظر بودن خداوند بر همه افعال، تقوى، فداكارى در راه خدا، عمل صالح، پرهيز از خودمحورى، حق‌طلبى، توكل به خداوند، سرسپردگى به خداوند، تلاش براى على وار زيستن، تلاش براى حسين صفت بودن، عبادت‌هاى شبانه، تغيير و تحول نفسانى زمينه ظهور امام زمان، ناظر بودن امام زمان بر امور پيروان خود، محدوديت آرزوها به آرزوى ظهور، حل شدن مشكلات با ظهور امام زمان، بالا بردن پرچم حق و طرفدارى از حق، اتكا به خداوند، پناه بردن تنها به خداوند، تقرب به خداوند، عشق و محبت به خداوند، ياد خدا، پايمال نكردن حق، بزرگ‌منشى و حق‌طلبى، راز و نياز با خدا، حب خداوند، توكل و اميد به خدا،</p>	<p>اهتمام به ديدن دارى، الگوپذيرى از ائمه خداواری در (ع)، علاقه‌مندى به علوم اسلامى، كنش‌هاى عملى مبتنى بر خداواری زندگى</p>

- مقاومت در برابر دون صفتان، آزادگی، عمل به تکلیف، همه چیز را در خدا دیدن، احساس حمایت شدن از طرف خداوند، دستورات الهی خواسته‌های من، فانی بودن وجود، بدون خدا، قبول مشیت الهی، رضای خدا عمل به ارزش‌های خدایی، اعتقاد به ارزش‌های الهی، عشق و ارادت به خداوند، خود را در معرض آزمایش دیدن، تسلیم اراده خداوند بودن، تسلیم محض خداوند بودن، قلب و روح را پذیرای رحمت الهی کردن، رضای مطلق داشتن، عشق به خداوند، شوق به فداکاری در راه خدا، راضی بودن به رضای خداوند، گذشتن از همه چیز در راه خدا، فراموش نکردن یاد خداوند، نداشتن معبودی جز خداوند، همدردی با محرومین، روحیه حق طلبی، مقاومت در برابر ظلم و کفر، الگوپذیری از ائمه (ع)، الگوپذیری از امام علی (ع)، اعتقاد به ایدئولوژی اسلامی، اعتقاد به خدا، تأکید بر ایدئولوژی اسلامی، ایمان و فداکاری، ایمان و عرفان، احساس تکلیف کردن، تأثیر ایمان و شهادت بر پیروزی، تبعیت از امام علی (ع)، خدمت به خلق، جهاد در راه خدا، نترسی از غیر خدا، مرد خدا بودن، برای خدا کار کردن، شیعه راستین، تلاش برای لقاءالله از طریق انجام عمل صالح، بهره گیری از استعدادها برای لقاءالله، مجاهد مخلص، مجاهد، مطالعات دینی، عشق به امام علی (ع)، کمال انسان دیدن امام علی (ع)، عشق به فضایل اخلاقی امام علی (ع)، شیفته امام زمان، آرزوی ظهور امام زمان، عشق به ائمه (ع)، پرهیزگاری ارائه دروس عقیدتی، تأکید بر مبارزه با نفس و تربیت نفس، شوق به لقاءالله، ایمان به خداوند، عشق و ارادت به امام حسین (ع)، الگوپذیری از امام حسین (ع)، احساس حضور در کربلا، عشق به امام حسین (ع)،
- ۱۶-و-۰۵۰-و-۰۵۸-و-۰۰۴-و-
 ۰۵۹-و-۰۶۲-و-۰۶۵-و-۰۱۰-و-
 ۰۷۱-و-۰۱۸-و-۰۲۴-و-۰۲۵-و-
 ۰۵۶-و-۰۳۰-و-۰۳۱-و-۰۴۰-و-
 ۰۴۴-و-۰۴۵-و-۰۵۲-و-۰۳۹-و-
 ۰۱۱-و-۰۴۹-و-۰۵۱-و-۰۶۷-و-
 ۰۳۳-و-۰۴۶-و-۰۰۷-و-۰۰۴-و-
 ۰۰۱-ج-۰۳۳-ج-۰۴۰-ج-۰۴۱-ج-
 ۰۱۱-ج-۰۱۲-ج-۰۲۰-ج-۰۱۴-ج-
 ۰۲۸-ج-۰۲۵-ج-۰۴۵-ج-۰۳۵-ج-
 ۰۰۳-ز-۰۰۴-ز-۰۰۵-ز-۰۱۶-ز-
 ۰۶۰-ز-۰۳۴-ز-۰۴۵-ز-۰۴۶-ز-
 ۰۵۳-ز-۰۳۱-ز-۰۳۲-ز-۰۷۶-ز-
 ۰۳۷-ز-۰۱۰-ز-۰۴۲-ز-۰۴۹-ز-
 ۰۱۹-ز-۰۸۸-ز-۰۲۲-ز-۰۲۳-ز-
 ۰۲۵-ز-۰۵۴-ز-۰۵۵-ز-۰۸۴-ز-
 ۰۵۹-ز-۰۶۰-ز-۰۱۷-م-۰۲۰-م-
 ۰۱۱-م-۰۳۱-م-۰۲۱-م-۰۰۲-ص-
 ۰۱۲-ص-۰۳۵-ص-۰۰۴-ص-
 ۰۰۶-ص-۰۰۷-ص-۰۰۹-ص-
 ۰۴۴-ص-۰۱۵-ص-۰۳۹-ص-
 ۰۴۰-ص-۰۴۱-ص-۰۱۹-ص-
 ۰۲۱-ص-۰۲۶-ص-۰۰۲-ل-۰۰۵-ل-
 ۰۰۳-ل-۰۱۳-ل-۰۰۷-ل-۰۰۸-ل-

<p>جان باختن در راه امام حسین (ع)، الگوپذیری از امام علی (ع)، رهرو امام علی (ع) بودن</p>	<p>پاداش بر اساس درد و رنج، سختی زندگی، انپس غم بودن، احساس فشار و بی‌حوصلگی، ایستادگی در مقابل مشکلات، ناراحتی و رنج دیدن، فقیر، تنها، احساس غم و درد در زندگی، نعمت بودن درد و غم، فقیر بودن، نعمت بودن فقر، ارزش انسان‌ها به اندازه تحمل درد و رنج در راه خداوند، نعمت دانستن غم، درد مستلزم فراموشی لذات، تحمل درد و رنج در زندگی، دردمندی</p>	<p>درد و رنج معیار پاداش، انپس غم بودن، نعمت بودن درد، غم و فقر، ارزشمندی انسان به اندازه تحمل درد و رنج</p>	<p>مأنوس بودن باغم، درد و رنج</p>
<p>۰۰۲ ر - ۰۱۵ ر - ۰۲۳ ر - ۰۷۶ ر - ۰۷۲ ر - ۰۵۵ ک - ۰۵۶ ک - ۰۷۴ ک - ۰۷۵ ک - ۰۷۶ ک - ۰۷۹ ک - ۰۷۲ ک - ۰۲۴ ج - ۰۴۷ ج - ۰۰۲ ز - ۰۷۵ ز - ۰۱۰ ز - ۰۴۱ ز - ۰۵۸ ز - ۰۶۶ ز - ۰۸۵ ز - ۰۱۵ ز - ۰۸۱ ز - ۰۰۳ ص - ۰۲۵ ص</p>	<p>معنای زندگی معراج و طیران روح، لذت زندگی معراج و نزدیکی به خدا، اهتمام به معراج و طیران روح، طیران روح داشتن، شور و حال عارفانه، احساس سبکی روح، احساس عارفانه، راز و نیازهای عارفانه، حال و هوای عارفانه، روحیه عرفانی، اوج گرفتن از دنیای خاکی، سیر در عالم روحانی، عارف بودن، عرفان عملی، غلبه عرفان بر دیگر حالات زندگی، سیر و سلوک عرفانی،</p>	<p>اهل عرفان بودن، اهتمام به معراج و طیران روح</p>	<p>علاقه به عرفان و طیران روح</p>
<p>۰۰۴۷ ر - ۰۵۲ ه - ۰۷۳ ک - ۰۸۰ ک - ۰۸۸ ک - ۰۲۳ ص - ۰۶۳ ز - ۰۶۴ ز - ۰۷۷ ز - ۰۷۸ ز - ۰۸۰ ز - ۰۷۹ ز - ۰۸۲ ز - ۰۸۳ ز - ۰۲۹ ص - ۰۳۱ ص - ۰۳۲ ص - ۰۳۳ ص - ۰۳۴ ص</p>	<p>محبوبیت در میان مردم، دوستی و عشق به خانواده، عشق و محبت به امام موسی صدر، عاطفی بودن مردمی بودن، عشق‌ورزی مردم به او، عشق‌ورزی به همراهان و رزمندگان، روحیه عاطفی، حساسیت نسبت به آزار حیوانات و حتی گیاهان، عشق و علاقه به سایر مخلوقات، احساس یگانگی با سایر مخلوقات، احساس همدردی با حیوانات</p>	<p>عشق به خانواده، علاقه‌مندی و محبت به هم‌زمان، محبوبیت در میان مردم، روحیه عاطفی</p>	<p>عشق‌ورزی به اطرافیان و محبوبیت در میان مردم</p>
<p>۰۷۷ ر - ۰۱۷ ز - ۰۲۰ ز - ۰۲۱ ز - ۰۳۵ ز - ۰۴۰ ز - ۰۶۷ ز - ۰۸۷ ز - ۰۰۶ ز</p>	<p>هنرمند بودن، مدیر بودن، علاقه به هنر، علاقه به شعر و ادبیات، سخت‌کوشی، دانشمند بودن، داشتن قوه تحلیل بالا، ممتاز بودن در تحصیل</p>	<p>هنرمندی، سخت‌کوشی، مدیریت داشتن، نخبه بودن</p>	<p>تلاش برای بهره‌گیری از استعدادهای درونی</p>
<p>۰۱۳ ر - ۰۱۴ ر - ۰۵۸ ر - ۰۱۶ ر - ۰۱۹ ر - ۰۲۰ ر - ۰۱۰ ر - ۰۱۸ ر - ۰۰۹ ر - ۰۱۰ ر - ۰۳۴ ر - ۰۴۰ ر - ۰۴۳ ر - ۰۰۷ ر - ۰۹۱ ر -</p>	<p>هدف زندگی فنا فی الله، زیستن برای خدا، وصال به خدا هدف زندگی، خدا را هدف زندگی قرار دادن، آرزوی وصال خداوند،</p>	<p>تبلور معنای زندگی در خداوند</p>	<p>وجود خدا، معنا بخش به زندگی</p>

آرزوی رضایت خداوند، هدف نهایی اعمال، ۵۰۹۳ - ۵۰۹۴ - ۵۰۸۹ -
 رضایت الهی، هدف زندگی راضی بودن
 خداوند، رضایت خداوند، ملاک عمل،
 شناخت خداوند هدف خلقت، هدف حیات
 بودن عشق، خواهان عشق بودن، عاشق،
 عبادت خداوند، هدف انسان

یافته‌ها

با مذاقه و غور در مقولات فراهم آمده از زندگی شهید مصطفی چمران می‌توان فهمید که او زیستن آدمی در این جهان را واجد معنا می‌داند و با تفسیرهای مبتنی بر فقدان معنا و اندیشه‌های پوچ محور در باب هستی مخالف است. مصطفی چمران نه مانند کامو بر بی‌معنایی و پوچی جهان تأکید خاص می‌کند و نه مانند نیچه است که جهان را آشفته بداند و فرآیند کره زمین را نابخردانه. مطابق یک دوگانه اولیه فلسفی، در تحلیل معنای زندگی می‌توان دو رویکرد کاملاً متفاوت را متصور شد: در رویکرد اول زندگی اساساً فاقد معنای آفاقی و هرگونه هیجانی برای زیستن است. جهان را نیروهای کر و کور احاطه کرده است و زندگی فرد آدمی در قیاس با عمر کیهان همچون نور ضعیفی است که چند لحظه‌ای سو سو می‌زند و سپس برای همیشه خاموش می‌شود.

اما در رویکرد دوم، زندگی برای زندگی نیست و امر دیگری وجود دارد که زندگی به خاطر آن انجام می‌پذیرد. هستی هدفی دارد و آدمی در تکاپوی رسیدن به معنا مجدانه باید تلاش کند. با تحلیل مشی زندگی شهید چمران از طریق روش نظریه‌پردازی داده بنیاد، با مقولاتی روبه‌رو می‌شویم که بیانگر آن است که او نه تنها زندگی را بی‌معنا نمی‌داند، بلکه به شدت درصدد دستیابی به معنا است. مقولاتی مانند خداپاوری در زندگی، وجود خدا معنا بخش به زندگی و تأکید بر تکامل و عروج به سوی خدا، مؤید معنادار بودن زندگی از نگاه مصطفی چمران هستند.

نظریات معنای زندگی پس از التزام به اینکه زندگی واجد هدفی است، به دو دسته عمده نظریات طبیعت‌گرایانه و فرا طبیعت‌گرایانه تقسیم می‌شوند. مطابق نظریات طبیعت‌گرایانه امکان و قابلیت‌های موجود در همین جهان مادی برای معنادار ساختن زندگی کافی است. به‌عنوان مثال یکی از مصادیق معنا بخش به زندگی از نگاه طبیعت‌گرایان، لذت و خوشی است. این بحث به لحاظ تاریخی نیز سابقه‌ای طولانی دارد. در دنیای باستان اپیکور و پیروان او اهتمام ویژه‌ای به بهره‌گیری از لذات داشتند و در دنیای مدرن نیز کسانی مانند جان استوارت میل و جرمی بنتام از این روایت دفاع کرده‌اند. شهید چمران نگاه طبیعت‌گرایانه به زندگی نداشته است. با تحلیل کدهای به‌دست‌آمده از زندگی او در بحث خوشی و توجه به لذت می‌توان به دو گونه تحلیل سلبی و ایجابی دست‌یافت. به لحاظ سلبی او هیچ اهمیتی به لذت‌های مادی حیات نداشته است. به تعبیری عام‌تر او اساساً اصالتی برای دنیای مادی قائل نبوده است. جهان از دیدگاه او ابزاری برای رسیدن به تکامل و تحول نفسانی است و هیچ‌گاه به‌عنوان هدفی درخور و شایسته، نگاه ذاتی به آن نمی‌شود. تعبیر شهید چمران در «سه طلاقه کردن دنیا» مؤید این مطلب است. می‌توان گفت در سرتاسر زندگی شهید چمران این نوع نگاه سلبی به لذات و خوشی‌های زندگی وجود دارد. کدهایی مانند دوری از خواهش‌های نفسانی، عدم توجه به آرزوها و منافع دنیوی، مردود بودن لذات مادی، بی‌ارزش بودن حیات دنیوی، پوچی لذات دنیوی، عدم دل‌بستگی به دنیای مادی و ... کدهایی

زندگی است. عبادت خداوند و در یاد او بودن و راز و نیاز با او بایستی هدف انسان در زندگی باشد. همه اعمال انسان باید خالصانه در راه خدا و با محوریت خدا باشد.

با نگاه جزئی‌تر به مقولات به دست آمده از زندگی شهید چمران وجوه عملی این نوع دیدگاه خدامحور را به خوبی خواهیم دید. خداباوری و کنش‌های عملی مبتنی بر این خداباوری در زندگی شهید چمران بروز و ظهور قابل توجهی دارند. او ایمانی قوی به خدا دارد و در برابر خداوند تسلیم محض است. خداوند را ناظر بر افعال خود می‌داند و در سختی‌ها به خدا توکل می‌کند. حق طلب و آزاده است و خود را در معرض آزمایش خداوند می‌بیند. قلب و روح را پذیرای رحمت الهی کرده است و به خداوند عشق می‌ورزد و در راه او فداکاری می‌کند. به ایدئولوژی اسلامی اعتقاد دارد و از ائمه (ع) الگوپذیری می‌کند. این‌ها مواردی از جنبه‌های عملی خداباوری مصطفی چمران در زندگی اوست و مشخص می‌کند که معنای زندگی او در وجود خداوند تبلور یافته است.

نکته مهمی که در زندگی شهید چمران وجود دارد این است که او تنها به انجام اعمال مبتنی بر دینداری بسنده نکرده است و در تکمیل فرآیند معنا دهی به زندگی‌اش، با تأکید بر تکامل و تحول نفسانی و با داشتن روحیه‌ای عرفانی و اوج گرفتن از دنیای خاکی، مرحله‌نهایی معنادار کردن زندگی خود که همانا قربانی شدن در راه خدا و لقاءالله است را، مصداقی عینی می‌بخشد. او زندگی دنیوی را وسیله‌ای برای رسیدن به تکامل می‌دانست و اعتقاد داشت درجه کمال انسانی به میزان مقاومتی است که انسان در برابر مشکلات زندگی و خواسته‌های نفسانی دارد. او مشکلات زندگی را زمینه‌ساز آماده شدن بشر برای مقام انسانیت می‌دانست و هدف مبارزات دینی را هدایت انسان‌ها و تغییر و تحول نفسانی آن‌ها قلمداد

هستند که نمایانگر نگاه سلبی او به لذات و دنیای مادی هستند. اما مطابق نگاه ایجابی، زندگی شهید چمران نه تنها ابتدای بر لذات نداشته است بلکه آمیخته با غم، درد و رنج بوده است. او از این دردمندی نالان نیست و درد و غم را نعمتی از جانب پروردگار می‌داند و معتقد است ارزش انسان‌ها به اندازه تحمل درد و رنج در راه خداست. از نگاه او درد و رنج شرایطی را فراهم می‌کند که انسان تنها به یاد خدا باشد و جز خدا چیز دیگری را نجوید و در طلب چیزی غیر از او نباشد. به نظر می‌رسد که این نوع نگرش مثبت به درد و غم متأثر از نگاه عارفانه مصطفی چمران باشد. در طول تاریخ عرفایی بوده‌اند که اعتقاد داشتند با تحمل درد و رنج، گوهر وجودی انسان به منصف ظهور می‌رسد. درد و رنج سبب می‌شود که سالک الی الله همواره در یاد خدا باشد و لحظه‌ای از او غفلت نکند (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: منصوری لاریجانی، ۱۳۹۴).

با این توضیحات معلوم شد که شهید چمران زندگی را واجد معنا می‌داند و به قرائت طبیعت‌گرایانه از معنای زندگی نیز اعتقادی ندارد. حال باید دیدگاه او را در باب نظریات فراطبیعت‌گرایانه مورد کنکاش قرار دهیم. قرائت فراطبیعت‌گرایانه از معنای زندگی قائل به این است که نوعی غایت فراطبیعت‌مناقبخش به زندگی است. فرا طبیعت‌گراها معتقدند که وجود خداوند، روح یا جاودانگی از شروط لازم برای معناداری زندگی هستند. به عبارت دیگر وجود خداوند و امر الوهی برای معناداری زندگی لازم است.

با تحلیل مفاهیم و مقولات بدست آمده از بررسی زندگی شهید چمران، مشخص می‌شود که نگاه او به معنای زندگی، نگاهی فراطبیعت‌گرایانه خدا محور است. او قائل به این است که خداوند معنا بخش به زندگی است و هدف نهایی اعمال رضایت الهی است. زیستن انسان برای خداست و وصال به خدا هدف

معنای زندگی در سطحی بین المللی معرفی کرد. نکته دیگر هم راستا با این بحث، بحثی است که ویتگنشتاین آن را تحت عنوان « بازی های زبانی »^{۱۴} مطرح کرده است. به اعتقاد ویتگنشتاین هر یک از بازی های زبانی با یک شکل از زندگی^{۱۵} همراه است. فهم یک بازی زبانی مستلزم شرکت در آن شکلی از زندگی است که بازی زبانی مورد نظر در بستر آن واقع می شود.

اگر معنای زندگی دینی برآمده از زندگی این شهید عالی مقام و دیگر شهدای دفاع مقدس را به عنوان یک بازی زبانی در نظر بگیریم، لازمه درک معنای زندگی ایشان، قرارگیری مخاطب در جایگاه دینی و معنوی ای است که ایشان از آن برخوردار بودند. به عبارت دیگر تنها زمانی می شود اوج معناداری و حلاوت زندگی شهدای دفاع مقدس را درک کرد و به قضاوت نشست که در آن شکلی از زندگی که در آن قرار داشتند؛ شرکت کنیم؛ هرچند که قرارگیری در این شکل از زندگی، اگر نگوییم غیر ممکن است؛ بسیار دشوار به نظر می رسد. نباید فراموش کرد که شهید چمران به لحاظ بهره هوشی، جزو نخبگان جامعه بود و قطعاً راه دینی انتخاب شده توسط ایشان برای معنادهی به زندگی با تفکر عمیق و سنجیدگی خاصی همراه بوده است به گونه ای که اطمینان ایشان در درستی راه انتخاب شده به حدی بود که خود را در پیشگاه خداوند متعال قربانی کرد و به دیدار پروردگارش نائل آمد. بنابراین لازم است راه انتخاب شده توسط ایشان را با استدلال و منطق برای جامعه و خصوصاً جوانان تشریح کرد تا ضمن درک صحیح از افکار و نحوه زیستن این بزرگوار، بستر لازم برای رشد جامعه دینی و پرورش جوانانی با افکار شهدا فراهم گردد.

می کرد. او با شور و حالی عرفانی و داشتن راز و نیازهای عارفانه، ظهور و بروز عرفان را در زندگی خود جلوه گر ساخت و به عارفی خود ساخته تبدیل شد.

شهید چمران با بهره گیری از استعداد های درونی، با حضور در فضای انقلابی لبنان و ایران برای ایجاد حکومت عدل و جهاد در راه خدا تلاش کرد. او با حضور در جبهه های جنگ، بارها تجربه حضور در موقعیت مرگ را از سر گذراند و در نهایت به آرزوی خود رسید و در راه خدا قربانی شد.

بحث و نتیجه گیری

آنچه که مسلم است فارغ از بحث های فلسفی و غوطه ور شدن در استنتاج های منطقی، ما در جامعه خود با انسان هایی خود ساخته روبرو هستیم که هر آنچه داشته در طبق اخلاص گذاشته اند و با شوقی مثال زدنی خویشتن خویش را در راه خدا قربانی کرده اند و به مقام بلند شهادت نائل آمده اند. پر واضح است زندگی شهدا نه تنها در مدار بی معنایی نبوده است، بلکه می توان با اطمینان این نوع از زندگی را آکنده از معنا دانست. منشأ این نوع از اطمینان، مراجعه به سیره و کنش های عملی شهدا در زندگی است. در سیره شهدا مولفه های بی معنایی نظیر پوچ گرایی، افسردگی، ناامیدی و ... به چشم نمی خورد. زندگی آنها سرشار از رضایت و دربردارنده تلاش برای تکامل روحی و اخلاقی بوده است.

آنها با اعتقاد به خدای یگانه و پیروی از مشی دینی، یک معنای الوهی و خدایی را در زندگی خود در پیش گرفته بودند. بنظر می رسد که بتوان از سبک زندگی شهدا که ترکیبی از دین و اخلاق دینی بوده است، به عنوان الگویی برای معنادهی به زندگی استفاده کرد و این الگوی برآمده از زندگی شهدا را که در آن رضایت و لذت روحی و شوق به پروردگار وجود داشته است، در میان دیگر الگوهای ارائه شده برای دستیابی به

پی نوشت

۱۱- چمران، مصطفی. (۱۳۸۶)، رقصی چنین میانه میدانم آرزوست، تهران: بنیاد شهید چمران، ۴۵-۵.
 ۱۲- چمران، مصطفی. (۱۳۸۹)، علی زیباترین سروده هستی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۴۵-۵.
 ۱۳- چمران، مصطفی (۱۳۹۲)، انسان و خدا، تهران: بنیاد شهید چمران، ۴۳-۱۰.

۱۴- دانایی فرد، حسن. مهدی الوانی و عادل آذر (۱۳۹۱)، روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت، رویکردی جامع، تهران: صفار، ۹۶.

۱۵- علیزمانی، امیرعباس (۱۳۹۰)، بررسی دیدگاه تدئوس متز در باب خدا و معنای زندگی و نقد آن از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)، فلسفه و کلام اسلامی، سال چهل و چهارم، بهار و تابستان، ۶۵.

۱۶- علیزمانی، امیرعباس (۱۳۸۹)، معنای زندگی از دیدگاه جان کاتینگهام، الهیات طبیعی، سال اول، شماره اول، ۱۰۱.
 ۱۷- متز، تدئوس (۱۳۸۲)، آثار جدید درباره معنای زندگی، نقد و نظر، شماره اول و دوم، بهار و تابستان، ۲۸۰.

۱۸- منصوری لاریجانی، اسماعیل. (۱۳۹۴)، زمزم عشق، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۲۰.

۱۹- نیچه، فریدریش ویلهلم (۱۳۷۶)، چنین گفت زرتشت؛ کتابی برای همه کس و هیچ کس، ترجمه داریوش آشوری، تهران، آگاه، ۱۲۱.

20- Glaser, B and Strauss, A. (1967). The discovery of the Grounded Theory: strategies for qualitative reaserch. New York, 13.

21- Glaser, Barney. (1992). Emergence vs Forcing: Basic of Grounded Theory Analysis. Sociology Press,5

22- Glaser, B, (1978), Theoretical sensitivity, Mill valley, CA Sociology Press, 28.

23- Kendall, J. (1999). Axial coding and the grounded theory controversy. *Western Journal of Nursing Research* , 21(6), 743 – 757.

24- Miles, M and Huberman, A. (2002). Assesing quality in qualitative research. *British Medical journal*,55

25- Neuman, Lawrence. (1997). Social research methods: qualitative approaches. 3rd. Boston, Allyn and Bacon, 234.

26- Powell, R. (1999), “Recent trends in research: a methodological essay”, *Library and information Science Research*, Vol. 21 No. 1, 91-119.

27- Thomson, Garrett, (2003) on the meaning of life, Wadsworth, 17.

28- Zalta, Edward, *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, Stanford University, 1995, USA, 23.

- 1- Theories of naturalism
- 2- Theories of supernaturalism
- 3- Garrett Thomson
- 4- Symbolic interactionism Pietrzak
- 5- Grounded theory
- 6- Constant comparative method
- 7- Barney Glaser
- 8- Anselm Strauss
- 9- Theoretical saturation
- 10- Systematic approach
- 11- Emergent approach
- 12- Glaser, Barney, 1992, Emergence vs.forcing: Basic of Grounded Theory Analysis, sociology press
- 13- Constructivist approach
- 14- Language game
- 15- form of life

منابع

- ۱- آدامز، ای . ام. (۱۳۸۲) معنای زندگی، ترجمه زهرا گلپایگانی، نقد و نظر، شماره ۳۱ و ۳۲، پاییز و زمستان، ۳۰۳.
- ۲- استراوس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۷)، اصول روش تحقیق کیفی: نظریه مبنایی، رویه‌ها و روش‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۹۷-۹۸-۱۱۸.
- ۳- استیس، والت (۱۳۸۲)، در بی معنایی معنا هست، ترجمه اعظم پویا، نقد و نظر، شماره ۲۹ و ۳۰، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۰۹.
- ۴- چمران، مصطفی. (۱۳۸۸)، عارفانه، تهران: نوربخش، ۱۷۰-۱۵.
- ۵- چمران، مصطفی. (۱۳۸۶)، نیایش‌ها، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۲۴-۱۰.
- ۶- چمران، مصطفی. (۱۳۹۰)، حماسه، عشق و عرفان. تهران: نوربخش، ۲۰۸-۲۳.
- ۷- چمران، مصطفی. (۱۳۸۷)، بینش‌ها و نیایش‌ها، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۶۰-۳.
- ۸- چمران، مصطفی. (۱۳۸۷)، خدا بود و دیگر هیچ نبود، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۸۰-۲.
- ۹- چمران، مصطفی. (۱۳۸۷)، کردستان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۰۰-۴.
- ۱۰- چمران، مصطفی. (۱۳۸۷)، لبنان، تهران: بنیاد شهید چمران، ۲۵۷-۱۰.